

ساختار کتاب

کتاب **فلسفه (۲)** شب امتحان از چهار قسمت اصلی تشکیل شده است که به صورت زیر است:

- ۱- **آزمون‌های نوبت اول:** آزمون‌های شماره ۱ تا ۴ این کتاب مربوط به مباحث نوبت اول است که خودش به دو قسمت تقسیم می‌شود:
 - الف) آزمون‌های طبقه‌بندی شده:** آزمون‌های شماره ۱ و ۲ را درس به درس طبقه‌بندی کرده‌ایم؛ بنابراین شما به راحتی می‌توانید پس از خواندن هر درس از درس‌نامه، تعدادی سؤال را بررسی کنید. حواستان باشد این آزمون‌ها هم، ۲۰ نمره‌ای و مثل یک آزمون کامل هستند.
 - ب) آزمون‌های طبقه‌بندی نشده:** آزمون‌های شماره ۳ و ۴ را طبقه‌بندی نکرده‌ایم تا دو آزمون نوبت اول مشابه آزمونی را که معلمان از شما خواهد گرفت، ببینید.
 - ۲- **آزمون‌های نوبت دوم:** آزمون‌های شماره ۵ تا ۱۲ از کل کتاب و مطابق امتحان پایان سال طرح شده‌اند. این قسمت هم، خودش به دو بخش تقسیم می‌شود:
 - الف) آزمون‌های طبقه‌بندی شده:** آزمون‌های شماره ۵ تا ۸ را که برای نوبت دوم طرح شده‌اند هم طبقه‌بندی کرده‌ایم. با این کار باز هم می‌توانید پس از خواندن هر درس، تعدادی سؤال مرتبط با آن درس را پاسخ دهید. هر کدام از این آزمون‌ها هم ۲۰ نمره دارند؛ در واقع در این بخش، شما ۴ آزمون کامل را می‌بینید.
 - ب) آزمون‌های طبقه‌بندی نشده:** آزمون‌های شماره ۹ تا ۱۲ را طبقه‌بندی نکرده‌ایم؛ پس، در این بخش با ۴ آزمون نوبت دوم، مشابه آزمون پایان سال معلمان مواجه خواهید شد. این آزمون‌ها به ترتیب امتحان‌های نهایی خرداد ۱۴۰۰ و ۱۴۰۱ و شهریور ۱۴۰۰ و ۱۴۰۱ است.
 - ۳- **پاسخ‌نامه تشریحی آزمون‌ها:** در پاسخ تشریحی آزمون‌ها، همه آن‌چه را که شما باید در امتحان بنویسید تا نمره کامل کسب کنید، برایتان نوشته‌ایم.
 - ۴- **درس‌نامه کامل شب امتحانی:** در این قسمت، همه آن‌چه را که شما برای گرفتن نمره عالی در امتحان فلسفه (۲) نیاز دارید تنها در ۱۳ صفحه آورده‌ایم، بخوانید و لذتش را ببرید!
- توجه:** به علت تغییرات محتوایی قابل توجه کتاب درسی فلسفه دوازدهم در ویرایش ۱۴۰۰، عملاً استفاده از آزمون‌های نهایی برگزار شده در سال‌های قبلی، کاربردی نیست.



بازم‌بندی درس فلسفه (۲)

شماره درس	پایانی اول	پایانی دوم دی و شهریور
درس ۱: هستی و چیستی	۳	۱
درس ۲: جهان ممکنات	۲/۵	۱
درس ۳: جهان علی و معلولی	۴	۱/۵
درس ۴: کدام تصویر از جهان؟	۳	۱
درس ۵: خدا در فلسفه - ۱	۴	۱/۵
درس ۶: خدا در فلسفه - ۲	۳/۵	۱
درس ۷: عقل در فلسفه - ۱	-	۲/۵
درس ۸: عقل در فلسفه - ۲	-	۲/۵
درس ۹: آغاز فلسفه در جهان اسلام	-	۲
درس ۱۰: دوره میانی	-	۲
درس ۱۱: دوران متأخر	-	۲/۵
درس ۱۲: حکمت معاصر	-	۱/۵
جمع	۲۰	۲۰

فهرست

صفحه نوبت آزمون	صفحه پاسخ‌نامه	شماره آزمون	طبقه‌بندی شده / نشده	نوبت	نمره
۳	۲۴	۱	طبقه‌بندی شده	اول	۲۴
۵	۲۵	۲	طبقه‌بندی شده	اول	۲۵
۷	۲۶	۳	طبقه‌بندی نشده	اول	۲۶
۸	۲۷	۴	طبقه‌بندی نشده	اول	۲۷
۹	۲۸	۵	طبقه‌بندی شده	دوم	۲۸
۱۱	۲۸	۶	طبقه‌بندی شده	دوم	۲۸
۱۳	۲۹	۷	طبقه‌بندی شده	دوم	۲۹
۱۶	۳۰	۸	طبقه‌بندی شده	دوم	۳۰
۱۸	۳۱	۹	طبقه‌بندی نشده	دوم	۳۱
۱۹	۳۲	۱۰	طبقه‌بندی نشده	دوم	۳۲
۲۱	۳۳	۱۱	طبقه‌بندی نشده	دوم	۳۳
۲۲	۳۴	۱۲	طبقه‌بندی نشده	دوم	۳۴
درس‌نامه توپ برای شب امتحان					۳۵

شماره	نوبت اول پایه دوازدهم	زمان آزمون: ۹۰ دقیقه	رشته: ادبیات و علوم انسانی	فلسفه (۲)																											
			آزمون شماره ۱																												
			درس چهارم																												
۰/۵			درستی یا نادرستی عبارات زیر را مشخص کنید.	۲۱																											
۰/۵			فیلسوف وظیفه‌ای در قبال مفاهیم عامیانه ندارد و کار او پرداختن به امور مهم و بنیادین است.	۲۲																											
۰/۷۵			فیلسوفی وجود ندارد که به طور صریح و روشن با معنای اول اتفاق موافق باشد.	۲۳																											
			هر یک از موارد ستون «الف» با کدام یک از عبارات ستون «ب» تناسب دارند؟ (یک مورد اضافی است).																												
			<table border="0"> <tr> <td style="text-align: center;">ب</td> <td></td> <td style="text-align: center;">الف</td> </tr> <tr> <td style="text-align: center;">○</td> <td style="text-align: center;">○</td> <td style="text-align: center;">○</td> </tr> <tr> <td>معنای دوم اتفاق</td> <td></td> <td>نقض اصل علیت</td> </tr> <tr> <td style="text-align: center;">○</td> <td style="text-align: center;">○</td> <td style="text-align: center;">○</td> </tr> <tr> <td>معنای اول اتفاق</td> <td></td> <td>نقض اصل سنخیت</td> </tr> <tr> <td style="text-align: center;">○</td> <td style="text-align: center;">○</td> <td style="text-align: center;">○</td> </tr> <tr> <td>معنای سوم</td> <td></td> <td>وقوع رخداد پیش‌بینی نشده</td> </tr> <tr> <td style="text-align: center;">○</td> <td></td> <td></td> </tr> <tr> <td>معنای چهارم</td> <td></td> <td></td> </tr> </table>	ب		الف	○	○	○	معنای دوم اتفاق		نقض اصل علیت	○	○	○	معنای اول اتفاق		نقض اصل سنخیت	○	○	○	معنای سوم		وقوع رخداد پیش‌بینی نشده	○			معنای چهارم			
ب		الف																													
○	○	○																													
معنای دوم اتفاق		نقض اصل علیت																													
○	○	○																													
معنای اول اتفاق		نقض اصل سنخیت																													
○	○	○																													
معنای سوم		وقوع رخداد پیش‌بینی نشده																													
○																															
معنای چهارم																															
۰/۵			به سؤال زیر پاسخ کوتاه دهید.	۲۴																											
			بیت «حمله دیگر بمیرم از بشر / تا برآرم از ملانک پر و سر» انکار کدام معنای اتفاق است؟																												
۱/۲۵			به سؤال زیر پاسخ کامل دهید.	۲۵																											
			علت تامه و ناقصه را توضیح دهید و برای آن مثال بزنید.																												
			درس پنجم																												
۰/۲۵			درستی یا نادرستی عبارت زیر را مشخص کنید.	۲۶																											
			استفاده سقراط از لفظ خدایان، مبتنی آن است که وی به خدایان یونانی اعتقاد داشته است.																												
۰/۲۵			جای خالی زیر را با کلمه مناسب کامل کنید.	۲۷																											
		 دلیل وجود خداوند را در تجربه‌های شخصی درونی ما می‌بیند.																												
۰/۵			به سؤال‌های زیر پاسخ کوتاه دهید.	۲۸																											
۰/۲۵			چه کسی ضرورت وجود خدا را از طریق اخلاق و وظایف اخلاقی اثبات کرد؟	۲۹																											
			از نظر افلاطون معیار هر چیز، چیست؟																												
۱			به سؤال‌های زیر پاسخ کامل دهید.	۳۰																											
۰/۷۵			زندگی معنادار چه نوع زندگی است و چگونه زندگی معنادار می‌شود؟	۳۱																											
			برهان حرکت را توضیح دهید.																												
			درس ششم																												
۰/۲۵			درستی یا نادرستی عبارت زیر را مشخص کنید.	۳۲																											
			اشیای جهان واجب‌الوجود بالغير هستند و نیاز به یک واجب‌الوجود بالذات دارند.																												
۰/۲۵			جای خالی زیر را با کلمه مناسب کامل کنید.	۳۳																											
			ملاصدرا استدلال خود را براساس مفهوم بنا نهاد.																												
۰/۵			به سؤال زیر پاسخ کوتاه دهید.	۳۴																											
			بحث یک فیلسوف تا چه زمانی فلسفی است؟																												
۱/۵			به سؤال‌های زیر پاسخ کامل دهید.	۳۵																											
۱/۵			از نظر یک فیلسوف پذیرش وجود خدا چه امکانی به ما می‌دهد و چه پیامدی به دنبال دارد؟	۳۶																											
			برهان وجوب و امکان را در اثبات وجود خدا توضیح دهید.																												
۲۰	جمع نمرات	موفق باشید																													

شماره	کheilisabz.com	زمان آزمون: ۹۰ دقیقه	رشته: ادبیات و علوم انسانی	فلسفه (۲)						
نمره	نوبت دوم پایه دوازدهم - نهایی خرداد ۱۴۰۰			آزمون شماره ۹						
۱	تعیین کنید کدام عبارت صحیح و کدام یک غلط می‌باشد. الف) حمل «جسم» بر «مداد و خودکار» به دلیل نیاز دارد. ب) برگه امتحانی که در زیر دست شما است، «واجب‌الوجود بالغير» است. ج) رابطه علیت، رابطه‌ای وجودی است، مانند رابطه‌ای که میان دو دوست وجود دارد. د) فارابی برای ابطال تسلسل علل نامتناهی از این مقدمه استفاده کرد که «هر معلولی باید علتی داشته باشد».									
۱/۲۵	۲ جاهای خالی را با کلمات مناسب کامل کنید. الف) براساس نظر ملاصدرا که به نظریه «.....» معروف است، جهان هستی یکپارچه نیاز و تعلق به ذات الهی است. ب) از نظر هراکلیتوس «.....»، هم به معنای عقل به عنوان حقیقتی متعالی و برتر است و هم به معنای نطق و سخن. ج) در نظر حکمای ایران باستان «.....» که همان خداست، با خرد و اندیشه خود جهانیان و وجدان‌ها و خردها را آفریده است. د) سهروردی، کسانی را که هم در صور برهانی به کمال رسیده‌اند و هم به اشراق و عرفان دست یافته‌اند، «.....» می‌نامد. ه) «وجود» که محور فلسفه مشائی و «نور» که اساس فلسفه اشراقی بودند، در فلسفه به هم رسیده و یکی شدند.									
۱	۳ گزینه درست را انتخاب کنید. ۱) در قرن ۱۳ میلادی فلاسفه غرب، از طریق ابن سینا و ابن رشد، مجدداً با فلسفه (۱- افلاطون ۲- ارسطو) آشنا شدند. ۲) از نظر فلاسفه مسلمان، کشف علل امور طبیعی از طریق (۱- حس و تجربه ۲- عقل) صورت می‌گیرد. ۳) از نظر کانت، اختیار و اراده، ویژگی (۱- بدن ۲- نفس) است. ۴) در فلسفه سهروردی، عالم ماده (۱- مغرب کامل ۲- مغرب وسطی) نام دارد.									
۰/۷۵	۴ براساس نسبت‌های سه‌گانه در قضایا، جدول را کامل کنید.									
	<table border="1"> <tr> <td>الف:</td> <td>مثال برای رابطه امکانی</td> <td>ج:</td> </tr> <tr> <td>عدد ۲۵ فرد است.</td> <td>ب:</td> <td>مربع، سه‌ضلعی است.</td> </tr> </table>				الف:	مثال برای رابطه امکانی	ج:	عدد ۲۵ فرد است.	ب:	مربع، سه‌ضلعی است.
الف:	مثال برای رابطه امکانی	ج:								
عدد ۲۵ فرد است.	ب:	مربع، سه‌ضلعی است.								
۰/۷۵	۵ هر یک از عبارات زیر نظر کدام فیلسوف درباره خدا است؟ الف) نوعی از هستی وجود دارد که پیوسته ثابت است. <input type="radio"/> ب) تصور انسان از یک موجود علیم و قدیر و نامتناهی، از جانب خداوند داده شده است. <input type="radio"/> ج) ایمان هدیه‌ای الهی است که خداوند به انسان عطا می‌کند. <input type="radio"/> ۱- کرکگور <input type="radio"/> ۲- افلاطون <input type="radio"/> ۳- کانت <input type="radio"/> ۴- دکارت <input type="radio"/>									
۰/۵	۶ به سؤال‌های زیر، پاسخ کوتاه بدهید. وجه مشترک و وجه اختصاصی موجودات را به ترتیب بنویسید.									
۱	۷ چهار مورد از ویژگی‌های موجودات عالم عقول از نظر فلاسفه الهی را بنویسید.									
۰/۵	۸ ارسطو بر چه مبنایی، عقل را به «نظری» و «عملی» تقسیم می‌کند؟									
۱	۹ دو شکل مخالفت با عقل را در جهان اسلام بنویسید.									
۱	۱۰ با توجه به نظر فیلسوفان مسلمان درباره «عقل فَعَال» به دو سؤال زیر پاسخ دهید. الف) وظیفه آن چیست؟ ب) مقام آن نسبت به انسان مانند چه چیز است؟									
۱/۵	۱۱ به سؤال‌های زیر، پاسخ کامل بدهید. نظر دیوید هیوم را درباره منشأ اعتقاد به علیت در نزد انسان توضیح دهید.									
۱	۱۲ «برهان حرکت ارسطو» مبنی بر اثبات وجود خداوند را بنویسید.									
۱/۵	۱۳ «برهان وجوب و امکان ابن سینا» را شرح دهید.									
۱/۵	۱۴ دکارت «عقل» را به کدام معنا به کار می‌برد و حدود و توانایی و جایگاه عقل نزد او چه میزان است؟									
۱/۵	۱۵ تفاوت «عقل هیولانی» و «عقل بالفعل» را توضیح دهید.									
۱/۵	۱۶ با توجه به نظر ابن سینا درباره طبیعت، به دو سؤال زیر پاسخ دهید. الف) تعریف طبیعت: ب) علت نام‌گذاری آن:									
۲	۱۷ «اصالت ماهیت» و «اصالت وجود» را تعریف کنید و یک فیلسوف از طرفداران هر یک از این دو نظریه را نام ببرید.									
۰/۷۵	۱۸ در فلسفه ملاصدرا با توجه به این که هستی، یک حقیقت واحد است، تعدد و تکرار در عالم چگونه تبیین می‌شود؟ (بدون ذکر تشبیه)									
۲۰	جمع نمرات موفق باشید									

پاسخنامه تشریحی

آزمون شماره ۱ (نوبت اول)

- ۱- نادرست؛ توماس آکوئیناس که در قرن ۱۳ میلادی زندگی می‌کرد، فلسفه‌ای را در اروپا پایه‌گذاری نمود که بیشتر متکی به دیدگاه‌های «ابن سینا» و تا حدودی «ابن رشد»، دیگر فیلسوف مسلمان بود.
- ۲- درست؛ مفهوم انسان به عنوان یکی از چیستی‌ها با مفهوم وجود مغایر است و رابطه ذاتی میان آن‌ها برقرار نیست.
- ۳- اصل «مغایرت وجود و ماهیت» پایه‌ی یکی از برهان‌های ابن سینا در اثبات وجود خدا به نام برهان «وجوب و امکان» است.
- ۴- وجود همان وجه مشترک موجودات است و ماهیت همان وجه اختصاصی آن‌ها است.
- ۵- فارابی، فیلسوف بزرگ مسلمان، اولین فیلسوفی بود که، به نسبت میان وجود و ماهیت توجه ویژه‌ای کرد.
- ۶- حمل از نوع غیرضروری (شایع صناعی)
- ۷- این‌که ما انسان‌ها در موقعیت‌های گوناگون رفتاری طبیعی از خود نشان می‌دهیم، بیانگر آن است که می‌دانیم در اطراف ما چیزهایی واقعی هست که برحسب نیاز از آن‌ها استفاده می‌کنیم و نیازمان را برطرف می‌کنیم؛ یعنی قبول داریم که مثلاً غذا و آب هست و می‌توان با دست خود آن‌ها را برداشت و از آن‌ها استفاده کرد و بیانگر اصل پذیرش واقعیت است.
- ۸- درست؛ دریای جیوه ممکن‌الوجود است و محتمل است که وجود داشته باشد یا خیر.
- ۹- الف) شریک‌الباری (خداوند) موجود است ← رابطه امتناعی (امکان ندارد که شریکی برای خدا باشد).
- ب) مجموع زوایای داخلی مربع ۳۶۰ درجه است ← رابطه ضروری (قطعاً زوایای داخلی مربع ۳۶۰ درجه است).
- ج) این غذا سرد است ← رابطه امکانی (ممکن است این غذا سرد باشد و یا گرم).
- ۱۰- موضوعی را که نسبت به محمول وجود، رابطه محال دارد، امتناعی می‌گویند.
- ۱۱- همه پدیده‌هایی که اکنون موجود هستند، واجب‌الوجود هستند، اما نه به واسطه خودشان، بلکه به واسطه علت‌هایشان که آن‌ها را «واجب‌الوجود بالغیر» می‌نامند.
- ۱۲- حالت ممکن‌الوجود مانند ترازویی است که دو کفه آن در حالت تعادل قرار دارند و هیچ کفهی بر دیگری ترجیح ندارد؛ حال اگر بینیم یکی از کفه‌ها به سمت پایین کشیده می‌شود، پس علت آن را از حالت امکان خارج کرده است، مانند انسان که یک ممکن‌الوجود است و به واسطه علتی از حالت ممکن‌الوجودی خود خارج شده است.
- ۱۳- اگر مفهومی را بیابیم که برای آن مصداقی وجود ندارد، بیانگر این است که این مفهوم هنوز از حالت امکانی خارج نشده است و علتی نیست که بتواند آن را به وجود بیاورد پس باید علتی باشد که آن را از حالت امکانی خارج کرده تا به وجود بیاید. هم‌چنین ممکن است آن مفهوم ممتنع‌الوجود باشد و هرگز دارای مصداق نشود.
- ۱۴- نادرست؛ رابطه وجودبخشی میان علت و معلول را «رابطه علتیت» می‌گویند. پس رابطه علتیت رابطه‌ای وجودی است که در آن، یک طرف (علت) به طرف دیگر (معلول) وجود می‌دهد.
- ۱۵- نادرست؛ در میان فیلسوفان تجربه‌گرا، دیوید هیوم، فیلسوف قرن ۱۸ انگلستان نظر خاصی دارد و با تجربه‌گرایان هم‌عقیده است که تنها راه شناخت واقعیات حس و تجربه است. دکارت معتقد بود که اصل علتیت بدون دخالت تجربه به دست می‌آید.
- ۱۶- مصراع اول از بیت «چو بد کردی مشو غافل ز آفات» که واجب شد طبیعت را مکافات» به اصل سنخیت اشاره دارد و مصراع دوم آن بیانگر وجوب علی است.
- ۱۷- دکارت، اصل علتیت را جزء اصول اولیه‌ای می‌دانست که انسان آن را به طور فطری درک می‌کند.

- ۱۸- تجربه‌گرایان که هر چیزی را براساس حس و تجربه تحلیل می‌کنند، معتقدند که انسان از طریق حس، توالی یا هم‌زمانی پدیده‌ها را مشاهده می‌کند و رابطه ضروری میان علت و معلول را درمی‌یابد.
- ۱۹- از نظر فلاسفه مسلمان اصل علتیت یک قاعده عقلی است و از تجربه به دست نمی‌آید؛ بلکه خودش پایه و اساس هر تجربه‌ای است. دانشمندان علوم طبیعی به دلیل پذیرفتن اصل علتیت دست به تجربه می‌زنند تا علل حوادث را پیدا کنند. پس هر تلاش تجربی خود مبتنی بر تجربه است. در عین حال این‌گونه هم نیست که انسان به طور مادرزادی در همان بدو تولد با آن آشنا باشد.
- ۲۰- رابطه علتیت رابطه‌ای وجودی است؛ یعنی وجود یک چیز ضرورتاً وابسته به دیگری است و اگر علت باشد معلول آن هم حتماً خواهد بود و اگر علت نباشد، معلول هم نخواهد بود، این رابطه با روابط دیگری که میان موجودات برقرار است؛ تفاوت دارد؛ مثلاً رابطه علتیت همانند رابطه دوستی نیست که در آن ابتدا وجود دو فرد فرض می‌شود و سپس میان آن‌ها دوستی برقرار می‌گردد.
- ۲۱- نادرست؛ یکی از اقدامات مؤثر و مهم فیلسوف، دقت در مفاهیم عامیانه و نقد و تصحیح یا تعمیق آن‌هاست.
- ۲۲- درست؛ فیلسوفی را سراغ نداریم که به طور صریح و روشن با معنای اول اتفاق موافق باشد. فیلسوفان معمولاً چنین اتفاقی را انکار می‌کنند.
- ۲۳- نقض اصل علتیت = معنای اول اتفاق
نقض اصل سنخیت = معنای دوم اتفاق
وقوع رخداد پیش‌بینی‌نشده = معنای چهارم اتفاق
- ۲۴- بیت «حمله دیگر بمیرم از بشر / تا برآرم از ملائک پر و سر» انکار معنای سوم اتفاق که همان انکار غایت‌مندی و هدفداری است، می‌باشد زیرا این بیت در حال بیان یک کمال مشخص و معینی است.
- ۲۵- در مواردی که معلول از مجموعه‌ای از عوامل پدید می‌آید، هر یک از عوامل را «علت ناقصه» و مجموعه عوامل را «علت تامه» می‌نامند؛ مثلاً نوشتن روی کاغذ، معلول عواملی از قبیل انسان، قلم، گرفتن قلم در دست، اندیشه و ... می‌باشد. نوشتن وقتی پدید می‌آید که همه عوامل باشند (علت تامه) حتی اگر یک مورد هم نباشد آن معلول پدید نخواهد آمد (علت ناقصه).
- ۲۶- نادرست؛ سقراط، گرچه گاهی از لفظ خدایان استفاده می‌کرد اما گزارش‌های افلاطون از جریان محاکمه وی نشان داد که وی به خدای یگانه معتقد بوده است.
- ۲۷- ویلیام جیمز معتقد است که: «دلیل وجود خداوند عمدتاً در تجربه‌های شخصی درونی ما نهفته است.»
- ۲۸- کانت، فیلسوف بزرگ قرن هجدهم آلمان، به جای اثبات وجود خدا از طریق نظم یا برهان علتیت، ضرورت وجود خدا را از طریق اخلاق و وظایف اخلاقی اثبات کرد.
- ۲۹- افلاطون معیار هر چیزی را خداوند می‌داند و می‌گوید: «برای ما معیار هر چیزی خداست.»
- ۳۰- زندگی معنادار آن زندگی است که دارای هدف و مقصود متعالی و مقدس و آراسته به فضائل اخلاقی و کرامت انسانی باشد. از نظر فیلسوفانی مانند دکارت و کانت، در صورتی زندگی معنادار می‌شود که از پشتوانه قبول خداوند برخوردار باشد.
- ۳۱- برهان مشهور ارسطو، برهان حرکت نام دارد. او معتقد است که وجود حرکت در عالم نیازمند محرکی است که خود آن محرک، حرکت نداشته باشد، زیرا اگر آن نیز حرکت داشته باشد، نیازمند یک محرک دیگر است و آن محرک دوم نیز به همین ترتیب نیازمند محرک دیگری است و سلسله محرک‌ها تا بی‌نهایت جلو خواهد رفت و چنین تسلسلی عقلاً محال است.

۳۲- درست؛ پیام اصلی ابن سینا و پیروان او: موجودات جهان برحسب ذات خود ممکن‌الوجودند اما از این حیث که اکنون موجودند، واجب‌الوجود بالغیر هستند؛ یعنی از یک واجب‌الوجود بالذات نشئت گرفته‌اند.

۳۳- ملاصدرا استدلال خود را براساس مفهوم امکان فقری بنا نهاد.

۳۴- بحث فیلسوف خواه مسلمان، خواه مسیحی و یا پیرو هر مسلک دیگر، تا وقتی فلسفی است که از روش فلسفه یعنی استدلال عقلی استفاده کند و نتایج تفکر خود را به صورت استدلالی عرضه نماید.

۳۵- از نظر یک فیلسوف الهی، پذیرش وجود خداوند با صفاتی که دارد به انسان این امکان را می‌دهد که بتواند معیارهای یک زندگی معنادار را به دست آورد که عبارت‌اند از: (۱) جهان را غایتمند بیابد و آن را توضیح دهد. (۲) انسان را موجودی هدفمند بشناسد و این هدف را مشخص کند. (۳) برای انسان گرایش به خیر و زیبایی قائل شود و بداند که این خیر و زیبایی یک امر خیالی نیست، بلکه در یک حقیقت متعالی [یعنی خدا] وجود دارد. (۴) آرمان‌های مقدس و فراتر از زندگی مادی را معتبر و درست بداند و (۵) در برابر یک وجود برتر و متعالی احساس تعهد و مسئولیت نماید.

۳۶- ابن سینا با استفاده از دو مفهوم وجوب و امکان، برهانی به شرح زیر بنا می‌کند: (۱) وقتی به موجودات این جهان نگاه می‌کنم می‌بینم که در ذات خود نسبت به وجود و عدم مساوی‌اند و هم می‌توانند باشند و هم می‌توانند نباشند، به عبارتی ذاتاً ممکن‌الوجود هستند. (۲) ممکن‌الوجود بالذات برای خروج از حالت تساوی نیازمند علتی است که خودش ممکن‌الوجود نباشد بلکه واجب‌الوجود بالذات باشد؛ یعنی موجودی که وجود ذاتی اوست و از او جدا نمی‌شود. (۳) پس موجودات این جهان به واجب‌الوجودی بالذات وابسته‌اند که آن‌ها را از حالت امکانی خارج کرده و پدید آورده است.



آزمون شماره ۹ (نوبت دوم)

- ۱- الف) نادرست؛ حمل «جسم» بر ممداد و خودکار نیاز به دلیل ندارد؛ زیرا جسم جزء ویژگی‌ها و اوصاف ذاتی ممداد و خودکار است.
- ب) درست؛ برگه امتحانی ذاتاً یک ممکن‌الوجود است و می‌تواند وجود داشته باشد یا نداشته باشد، اما از آن جهت که الان موجود شده است یک واجب‌الوجود بالغیر است؛ زیرا به واسطه علتی غیر از خود وجود یافته است.
- ج) نادرست؛ رابطه علیت رابطه وجودی است، یعنی وجود یک چیز ضرورتاً وابسته به وجود دیگری است. رابطه علیت همانند رابطه دوستی نیست که در آن ابتدا وجود دو فرد فرض می‌شود و سپس میان آن‌ها دوستی برقرار گردد.
- د) درست؛ فارابی برای بطلان تسلسل علل نامتناهی بیان کرد که هر معلول برای پدیدآمدن نیازمند علتی است و تا علتی نباشد چیزی به وجود نخواهد آمد.
- ۲- الف) براساس نظر ملاصدرا که به نظریه «امکان فقری» یا «فقر وجودی» معروف است، جهان هستی یکپارچه نیاز و تعلق به ذات الهی است.
- ب) هر اکتیوس عقیده داشت که «لوگوس» هم به معنای عقل به عنوان حقیقتی متعالی و برتر است و هم به معنای نطق و سخن.
- ج) در نزد حکمای ایران باستان «مزدا» همان خداست که با خرد و اندیشه خود، جهانیان و وجدان‌ها و خردها را آفریده است.
- د) از نظر سهروردی، حکیم متأله کسی است که هم در صور برهانی به کمال رسیده است و هم به اشراق و عرفان دست یافته است.
- ه) در حکمت متعالیه یا حکمت صدرایی، وجود که محور فلاسفه مشائی و نور که اساس فلسفه اشراقی بود، به هم رسیدند.
- ۳- الف) در قرن ۱۳ میلادی فلاسفه غرب از طریق ابن سینا و ابن رشد، مجدداً با فلسفه ارسطو آشنا شدند.
- ب) فلاسفه مسلمان معتقدند با این‌که کشف علل امور طبیعی از طریق حس و تجربه صورت می‌گیرد؛ اما خود اصل علیت از این طریق به دست نمی‌آید.
- ج) از نظر کانت، اختیار و اراده نمی‌تواند ویژگی بدن باشد که ماده‌ای مانند سایر مواد است بلکه باید ویژگی نفسی غیرمادی باشد.
- د) در جغرافیای عرفانی سهروردی، مغرب کامل جهان تاریکی یا عالم ماده است که بهره‌ای از روشنایی ندارد.
- ۴- الف) رابطه وجوبی
- ب) انسان هنرمند است (یا هر مثال درست دیگر)
- ج) رابطه امتناعی
- ۵- الف) ۲- افلاطون / ب) ۴- دکارت / ج) ۱- کرکگور
- ۶- وجود همان وجه مشترک [شباهت] موجودات است و ماهیت همان وجه اختصاصی [تفاوت] موجود است.
- ۷- ۱) موجوداتی کاملاً روحانی و غیرمادی هستند. ۲) فوق عالم طبیعت‌اند. ۳) فیض خداوند از طریق آن‌ها به عوالم دیگری می‌رسد. ۴) همان فرشتگان الهی هستند. ۵) حقایق را از طریق شهود درک می‌کنند. ۶) نیازی به استدلال ندارند.
- ۸- ارسطو عقل را براساس کاری که انجام می‌دهد به عقل نظری و عقل عملی تقسیم کرد.
- ۹- ۱) تنگ و محدود کردن دایره اعتبار و کارآمدی عقل در عین پذیرش آن
- ۲) مخالفت با فلسفه و منطق، تحت عنوان دستاوردی یونانی و غیراسلامی
- ۱۰- الف) عقل فعال عامل فیض‌رسانی به عقل انسان‌ها است، یعنی تمام ادراکات و دانش‌ها به مدد این عقل صورت می‌گیرد.
- ب) مقام و منزلت عقل فعال نسبت به انسان، مانند آفتاب است نسبت به چشم
- ۱۱- از نظر دیوید هیوم، تنها راه شناخت واقعیات، حس و تجربه است، اما اصل علیت و رابطه ضروری میان علت و معلول را نمی‌توان از حس و تجربه به دست آورد. از نظر هیوم اعتقاد به علیت در نزد انسان ناشی از عادت ذهنی است که آن را تداعی می‌نامد که آن را یک امر روانی بر اثر توالی و پشت سر هم آمدن پدیده‌ها می‌داند.



۱۲- ارسطو معتقد است که وجود حرکت در عالم، نیازمند محرکی است که خود آن محرک، حرکت نداشته باشد، زیرا اگر آن نیز حرکت داشته باشد، نیازمند یک محرک دیگر است و آن محرک دوم نیز به همین ترتیب نیازمند محرک دیگری است و سلسله محرک‌ها تا بی‌نهایت جلو خواهد رفت و چنین تسلسلی عقلاً محال است.

۱۳- ابن سینا معتقد است که موجودات اطراف ما در ذات خود ممکن‌الوجود بالذات هستند یعنی نسبت به وجود و عدم حالت تساوی دارند.

این ممکن‌الوجود بالذات برای خارج‌شدن از حالت تساوی میان وجود و عدم نیازمند یک واجب‌الوجود است.

پس موجودات این جهان به واجب‌الوجودی بالذات وابسته‌اند که آن‌ها را از حالت امکانی خارج کرده و پدید آورده.

۱۴- دکارت به همه توانایی‌های عقل مانند بدیهیات عقلی، استدلال‌های عقلی محض و نیز تجربه توجه داشت. او معتقد بود که عقل می‌تواند وجود خدا و نفس مجرد و غیرمادی انسان و اختیار او را اثبات کند. او به عالم عقل به عنوان یک عالم برتر و متعالی در جهان معتقد نبود و عقل را صرفاً همان دستگاه تفکر و استدلال به حساب می‌آورد که می‌تواند ابزار شناخت انسان قرار بگیرد.

۱۵- اولین مرحله عقل، عقل بالقوه یا هیولانی نام دارد و آن هنگامی است که انسان هیچ ادراک عقلانی ندارد، اما استعداد و آمادگی درک معقولات را دارد. مانند انسانی که تازه متولد شده است.

سومین مرحله عقل، عقل بالفعل نام دارد که در این مرحله، عقل شکوفا شده است و به فعلیت رسیده و با تمرین و تکرار، دانش‌هایی را کسب کرده است.

۱۶- الف) تعریف طبیعت: از نظر ابن سینا، طبیعت مرتبه‌ای از هستی است که رو به سوی مقصدی خاص دارد و این مقصد در ذات عالم طبیعت است.

ب) علت نام‌گذاری آن: نام‌گذاری این عالم به «عالم طبیعت» به این جهت است که اجزای این عالم هر کدام طبع و ذات خاصی دارند که منشأ حرکات و تغییرات اجزا و افراد عالم طبیعت می‌باشد و خود این عالم به عنوان «کل» طبع و ذاتی دارد که منشأ و مبدأ حرکات و تحولات است.

۱۷- اصالت ماهیت: امر واقعی خارجی، مصداق ماهیت است؛ یعنی آن‌چه که واقعی است و در خارج وجود دارد ماهیت است نه وجود، وجود صرفاً یک مفهوم انتزاعی است. اصالت وجود: در این نظر، وجود است که اصیل و واقعی است و واقعیت خارجی مابازاء و مصداق وجود است پس وجود اصالت دارد نه ماهیت.

فیلسوف معتقد به اصالت ماهیت: میرداماد (استاد ملاصدرا)

فیلسوف معتقد به اصالت وجود: ملاصدرا

۱۸- از نظر ملاصدرا، با این‌که هستی یک حقیقت واحد است، اما این حقیقت واحد، دارای درجات، مراتب و شدت و ضعف است.

وجود نیز که حقیقتی واحد است، در تجلیات و ظهورهای خود دارای مراتبی می‌شود و هر مرتبه‌ای از وجود به میزان درجه وجودی خود ظهور آن حقیقت واحد و یگانه است.

درس نامه توپ برای شب امتحان

ذاتی بین آن‌هاست و نیازمند به دلیل نیستیم را حمل اولی ذاتی می‌گویند.
۳- حملی که بین موضوع و محمول رابطه ذاتی نباشد و نیازمند به دلیل هستیم را حمل شایع صناعی می‌گویند (حمل وجود بر ماهیت از همین نوع است).

حمل اولی ذاتی: مفهوم موضوع و محمول یکی است: مثلث شکل سه ضلعی است.
شایع صناعی: مفهوم محمول غیر از موضوع است: انسان حرکت کننده است.

گذری تاریخی بر مفهوم وجود و ماهیت

- فرق بین ماهیت و وجودی تردیدی از اساسی‌ترین آرا و عقاید فلسفی در تفکر اسلامی است.
- بحث «مغایرت وجود و ماهیت» پایه برهان «وجوب و امکان» ابن سینا است.
- توماس آکوئیناس که از فیلسوفان بزرگ اروپا است «اصل مغایرت وجود و ماهیت» را پایه برهان‌های خود در خداشناسی قرار داد و آن را در اروپا گسترش داد. او بنیان‌گذار فلسفه «تومیسیم» است.
- فلسفه آکوئیناس بیشتر مبتنی بر آرای «ابن سینا» و تا حدودی آرای «ابن رشد» بود.
- آشنایی فلاسفه غرب با دیدگاه‌های «ابن سینا» و «ابن رشد» موجب ارتباط مجدد با فلسفه ارسطویی شد.

درس ۲: جهان ممکنات

نسبت‌های سه‌گانه در قضایا

بر اساس رابطه‌ای که بین موضوع و محمول وجود دارد، قضایا به سه دسته تقسیم می‌شوند:

نوع قضیه	وجوبی	امکانی	امتناعی
ویژگی	محمول یک قضیه ذاتی موضوع است و برای آن ضرورت دارد به هیچ وجه نمی‌توان احتمال کذب آن را داد.	محمول یک قضیه ضروری نیست و هم می‌تواند بر موضوع حمل شود و هم موضوع می‌تواند آن را نپذیرد.	برقراری ارتباط بین موضوع و محمول غیرممکن است و موضوع آن محمول را نمی‌پذیرد. کذب این قضیه ضروری است. %۵۰
مثال	خداوند خالق جهان است.	علی دانش‌آموز درس خوانی است.	عدد چهار زوج نیست.

رابطه وجود با موضوع‌های مختلف

حمل هستی (وجود) بر هر موضوعی موجب پدیدآمدن سه رابطه فوق می‌شود. هر ماهیت در یکی از ۳ قسم زیر وجود دارد:

نوع ماهیت	واجب‌الوجود	ممکن‌الوجود	ممتنع‌الوجود
تعریف	موضوعی که نسبت به محمول وجود رابطه حتمی دارد.	موضوعی که نسبت به محمول وجود رابطه امکانی دارد.	موضوعی که نسبت به محمول وجود رابطه محال دارد.
ویژگی	قطعاً وجود دارد و وجود برای آن ضروری است.	نه ضرورت دارد که وجود داشته باشد نه ضرورت دارد که عدم باشد.	هیچ‌گاه وجود نخواهد داشت و وجود برای آن محال است.
مثال	خداوند	خاک، انسان، روح	شریک‌الباری، سیاه سفید

درس: هستی و چیستی

برای آشنایی و درک یکی از مباحث اولیه فلسفه یعنی دو مفهوم هستی (وجود) و چیستی (ماهیت) نیازمند برداشتن چهار قدم مقدماتی و مهم هستیم.

قدم اول: قبول واقعیت‌هایی قابل شناخت

هنگامی که به دنبال نیازهایی، رفتاری طبیعی از خود نشان می‌دهیم بیانگر آن است که در اطرافمان چیزهایی وجود دارد؛ یعنی قبول داریم که آن‌ها واقعاً هستند. ما انسان‌ها می‌دانیم که اشیا و موجوداتی پیرامون ما وجود دارند و می‌توانیم به آن‌ها علم پیدا کنیم. واقعیت: همه چیزهایی که در اطراف ما هستند هر کدام یک واقعیت هستند و نه یک توهم و خیال.

قدم دوم: مفهوم وجود و ماهیت و اهمیت آن‌ها

این دو مفهوم از پرکاربردترین مفاهیم میان انسان‌ها هستند و در کنار هم به کار می‌روند.

هر موجودی دو جنبه دارد:	
۱) موجود بودن (هستی داشتن)	۲) ماهیت داشتن (چیستی داشتن)
وجود: به معنای هستی و همان وجه ماهیت: به معنای چیستی داشتن و مشترک موجودات است. وجه اختصاصی موجوات جهان است.	

استفاده از کلمات «این» و «آن» نشان می‌دهد که ما به وجود چیزی پی برده‌ایم اما ماهیت و چیستی آن‌ها آگاه نیستیم.

گاهی اوقات در عین این‌که به وجود چیزی علم داریم اما از ماهیت بی‌اطلاعیم و سؤال «چیست» را مطرح می‌کنیم.

ماهیت و چیستی هر شیء بیان‌کننده ذاتیات آن شیء است.

قدم سوم: رابطه میان وجود و ماهیت

اولین فیلسوف مسلمان که به رابطه وجود و ماهیت توجه ویژه‌ای داشت فارابی بود و پس از آن ابن سینا ادامه‌دهنده راه وی بود.

● وجود و ماهیت دو مفهوم از یک چیز هستند و نه دو جزء از یک چیز.

● ماهیت و وجود یک شیء از نظر مفهومی در ذهن متمایز و مغایر هستند اما از نظر مصداقی در جهان خارج مشترک و عین هم هستند.

● بنابراین تفاوت آن‌ها صرفاً در جهان ذهن و از نظر مفهومی است و ما در جهان خارج، دو مفهوم جداگانه نداریم.

قدم چهارم: حمل وجود بر ماهیت

حمل نیازمند به دلیل	حمل بی‌نیاز از دلیل
هرگاه دو مفهوم با یکدیگر مغایر باشند و رابطه ذاتی میان آن‌ها برقرار نباشد حمل وجود بر آن نیازمند دلیل است مانند حمل وجود بر انسان که مفهوم وجود با انسان مغایر است و رابطه‌ای بین آن‌ها نیست.	هرگاه یک چیز بیان‌کننده ذات و حقیقت یک چیز باشد از آن جدا نمی‌شود و حمل این مفهوم نیازمند دلیل نمی‌باشد مانند حمل حیوان ناطق بر انسان. این نوع حمل، از نوع حمل ضروری است.

۱- هنگامی که برای حمل یک چیز نیازمند دلیل هستیم، این دلیل هم می‌تواند از طریق حسی یا تجربی شناسایی شود و یا از طریق عقل محض.

۲- حملی که ذاتیات مانند (حیوان ناطق) بر ذات مانند (انسان) حمل می‌شود و رابطه